سرمقاله

ضرورت توجه به ریشه ها و عوامل اعتیاد

حفیظ الله زکی

دیروز همایش روز همبستگی جهانی و هفته بسیج ملی علیه مواد مخدر، با شعار»مواد مخدر ما را به تباهی می کشاندُ، بیایید علیه آن بسیج شویم» به همت وزارت مبارزه با مواد مخدر درکابل برگزارشد.

در این همایش معاون دوم رییس جمهور گفت که امروز بخش عمدهٔ اقتصاد نامشروع و منابع مالی مخالفان مسلح دولت، از طریق قاچاق مواد مخدر تأمین می گردد و در حقیقت، مخالفان مسلح دولت، بزرگترین قاچاقچیان و حامیان کشت مواد مخدر اند و از این رو، امنیت افغانستان و جهان به نابودی قاچاق مواد مخدر گره خورده است.

وی افزود: مواد مخدر، پیوند مستقیم با مافیای داخلی و خارجی داشته و باعث بلند رفتن گراف جرایم به خصوص جرایم سازمان یافته می شود و سود ناشی از قاچاق آن، سبب افزایش فساد اداری، بی اعتمادی مردم نسبت به ادارات دولتی، تضعیف اقتصاد مشروع کشور و حکومتداری خوب می گردد.

وزیر مبارزه با مواد مخدر از بسیج ملی علیه مواد مخدر سخن گفت و اظهار داشت تا زمانی که مردم علیه مواد مخدر بسیج نشوند، هیچ تلاش دیگری در این راستا مؤفق و کارساز نخواهد بود.

پانزده سال است که افغانستان وزارتخانه ای را به منظور مبارزه با مواد مخدر تأسیس کرده و تا هنوز بودجه هنگفتی از کمک های بین المللی در راستای مبارزه با این پدیده شوم به مصرف رسیده است. اما نتیجه این همه تلاش و صرف هزینه های گزاف چه بوده، معلوم نیست. کشت و قاچاق موادمخدر همه ساله رو به افزایش بوده و آمار معتادان نیز به صورت روز افزون بالا می رود.

مسؤلان حکومتی همه ساله به پیامدهای زیان آور مواد مخدر تمرکز می کنند و از واقعیت های تلخ اجتماعی آمار و ارقام ارایه می نمایند، اما از طرح، برنامه و راهکارهای مؤثر و قابل قبول در این زمینه غافل می مانند. وزارت مبارزه با موادمخدر امسال کمپاینی را علیه موادمخدر راه اندازی کرده است. در این رابطه چند سؤال قابل طرح است:

- آیا مردم افغانستان از ضررهای موادمخدر آگاه نیست؟ چه کمپاینی بهتر و عینی تر از زیر پل ها، میان خرابه ها، پشت سنگ ها و زیر درخت ها و... است که صدها معتاد به انواع موادمخدر به صورت گروهی زندگی فلاکت بار شان را به نمایش می گذارند.
- مگر مردم و بخصوص جوانان وضعیت اسفبار آنها را نمی بینند؟
- مگر به عواقب اعتیاد به موادمخدر پی نمی برند؟
- مگر خانواده ها نگران حال فرزندان شان از اعتیاد به این پدیده مخرب و بنیان کن نیستند؟
- چرا آمار اعتیاد علیرغم تلاش های دولت در این زمینه همچنان رو به افزایش است؟

اگر مشاهده عینی زندگی معتادان طی سال ها برای مردم درس عبرت و مایه نفرت از موادمخدر نگردد، کمپاین خیابانی و یک هفته ای هرگز نمی تواند پاسخگوی این مشکل باشد.

اعتیاد یک ناهنجاری و انحراف اجتماعی است که بیشتر از شرایط بیمارگونه و نابسامان اجتماعی نشأت می گیرد. بنابراین برای مبارزه با آن باید به خاستگاه ناهنجاری ها، بی نظمی ها و نابسامانی های اجتماعی توجه صورت گیرد و نه به پیامدهای آن. زیرا پیامد اعتیاد به موادمخدر بر زندگی فردی و اجتماعی برای همگان آشکار است.

ما باید نخست به این سؤال پاسخ بدهیم که آسیب ها و انحرافات اجتماعی چگونه پدید می آیند و عوامل پیدایش آسیب ها و انحرافات اجتماعی کدامند؟ در پاسخ به این پرسش است که عوامل زیادی مرتبط با انحرافات اجتماعی مورد مطالعه و بررسی قرار می گیرند. شرایط جغرافیایی، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، موقعیت خانوادگی، تربیتی، شغلی و طرز فکر و نگرش افراد در جامعه، اوضاع سیاسی، امنیتی، غلبه فرهنگ تنوع طلبی و تجمل خواهی، اختلاف فاحش طبقاتی، تورّم و گرانی هزینه های زندگی، ترس، اضطراب و ناامیدی از آینده، ضعف حکومت و فساد گسترده در ادارات و دهها عامل دیگرهمه در افزایش انحرافات اجتماعی نقش دارند. بنابراین تا به ریشه های انحرافات اجتماعی از جمله اعتیاد توجه صورت نگیرد، اقدامات نمایشی و تبلیغاتی جز صرف هزینه، نتایج دلخواهی را در پی نخواهد داشت.

ضرورت استراتژی نظامی و سیاست فرهنگی در مبارزه با افراطیت

رحیم حمیدی

در اواخر ماه آپریل حمله خونین در کابل اتفاق افتاد. حمله مرگبار و خونین ماه آپریل بیش از ۳۰۰ کشته و زخمی بر جا گذاشت. در روزهای بعد از آن؛ رئیس جمهور به پارلمان کشور رفت و استراتژی جدید حکومت در مواجهه و برخورد با گروه‌های دهشت‌افکن را ارائه نمود. از آن زمان تا کنون وضعیت در میدان جنگ به نسبت تغییر قابل ملموسی نموده است. ارتش افغانستان در هماهنگی با ریاست امنیت ملی افغانستان موفق شده است که تعداد زیادی از والی‌ها و ولسوال‌های نام نهاد گروه طالبان را از بین ببرد. براساس اظهارات مقامات نظامی، ارتش افغانستان لیست تعدادی از رهبران و فرماندهان گروه طالبان را با همکاری ریاست عمومی امنیت ملی تهییه نموده و به صورت سازماندهی شده بر محل بود و باش آن افراد حمله نموده است.

تلاش‌های حکومت در سطح مجامع بین المللی نیز قابل تحسین بوده است. حکومت وحدت ملی ایالات متحده آمریکا و دیگر کشورهای عضو ناتو را متقاعد نموده است که به کمک‌های مالی خود به نیروهای امنیتی افغانستان ادامه دهد. در عین حال، ایالات متحده آمریکا و برخی دیگر کشورها را متقاعد نموده است که تعدادی از نیروهایش را در افغانستان حفظ نماید. براساس تصمیم جدید ایالات متحده آمریکا ۸۴۰۰ نیروی نظامی این کشور در افغانستان باقی خواهد ماند و در کنار نیروهای امنیتی افغانستان در برابر گروه‌های دهشت‌افکن مبارزه خواهد نمود. تا این جای کار، دستاورد حکومت وحدت ملی تحسین‌برانگیز است.

با این حال، جنگ نیروهای امنیتی کشور در برابر گروه طالبان با خلاء های مواجه است. در ذیل تلاش می کنم مسائل را که اهمیت فوق‌العاده در سرنوشت جنگ در افغانستان دارد و در دراز مدت می تواند ثبات به وجود آورد بر شمارم و در حد ظرفیت این نوشتار به توضیح گیرم.

پیروزی و باخت در میدان جنگ بستگی زیاد به استراتژی جنگی دارد. استراتژی سه کار اساسی و بنیادی انجام می دهد. اول به نیروها انسجام می بخشد و رفتارها و حرکت‌ها را به گونه‌ای هماهنگ و تعریف شده در می آورد. دوم آینده جنگ را پیش‌بینی می کند. به دیگر سخن، استراتژی ظرفیت پیش‌بینی را به نخبگان و سازمان ارتش و دیگر نیروهای امنیتی کشور می دهد. سوم اینکه رفتارها و واکنش‌های نظامی را در طولانی مدت مشخص می سازد. تعریف یک استراتژی جنگی ضرورت بنیادی ارتش، پلیس و ریاست عمومی امنیت ملی کشور می باشد. مهم نیست که دشمن از استراتژی جنگی ما آگاه گردد. آنچه اهمیت دارد این است که تاکتیک‌های جنگی که در قالب استراتژی تدوین می گردد فاش نشود. در پانزده سال گذشته ما فاقد یک استراتژی جامع جنگی بوده‌ایم به همین خاطر، است که رویکرد ما نسبت به گروه طالبان و بسیاری از گروه‌های مخالف مسلح دولت در برهه های مختلف تغییر نموده است.

در آغاز حمله ایالات متحده آمریکا به افغانستان گروه طالبان دشمن مردم و نظام دانسته می شد. رفتارها تا حد زیادی مشخص بود. هیچ نیروی نظامی کشور در مواجه با اعضای گروه طالبان مردد نمی شد و بدون دغدغه به سمت او شلیک می کرد. اما سیاست و برخورد ما با گروه طالبان و بسیاری از دیگر گروه های مخالف مسلح دولت تغییر نمود. حامد کرزی، رئیس جمهور پیشین افغانستان گروه طالبان را برادران ناراضی خواند. جنگ افغانستان را جنگ بیرونی و مردم افغانستان و به طبع آن گروه طالبان را قربانیان جنگ می دانست. به همین خاطر، روابط افغانستان با ایالات متحده آمریکا دچار لغزش ها و فراز و نشیب شد. کرزی به صورت صریح از حمله شبانه نیروهای بین المللی در روستاهای کشور انتقاد نمود.

رئیس جمهور غنی نیز سیاست حامد کرزی در قبال گروه طالبان را به شکل جدی‌تر دنبال نمود. نتیجه سیاست حکومت گسترش دامنه ناامنی در سراسر کشور شد. در نهایت، گذشت زمان ثابت ساخت که استراتژی تساهل‌گرایانه پاسخگو نیست. این استراتژی از مردم و نیروهای امنیتی کشور قربانی می گیرد. به همین خاطر، رئیس جمهور تغییری در سیاست خود به وجود آورد. سیاست جدید غنی معلوم نیست تا کی ادامه خواهد یافت. رئیس جمهور غنی ممکن است این سیاست خود را تا پایان دوره ریاست جمهوری خود ادامه دهد اما، احتمال آن می رود که با روی کار آمدن فرد جدید ما شاهد سیاست جدید در مواجه با گروه طالبان و بسیاری از گروه‌های دیگر باشیم. دلیل این دگرگونی در سیاست ما فقدان استراتژی است. وقتی ما نتوانیم آینده رفتار دشمن را پیش‌بینی کنیم در آن صورت دست به تغییر استراتژی می زنیم. بنابراین، وجود یک استراتژی که برای مدت طولانی بر رفتار های و حرکت های ارتش و دیگر نیروهای امنیتی کشور حاکم باشد ضروری و جدی است.

آینده جنگ بستگی زیادی به این مسئله دارد که حکومت چگونه ظرفیت درونی جامعه را بالا برده و از گرایش بنیادگرایانه جلوگیری می کند. چند روز قبل، رئیس جمهور دستور پاکسازی داعش از ولایت ننگرهار را داد. اما، پرسش این است که بعد از پاکسازی داعش و یا طالبان از یک ولایت برنامه بعدی حکومت چیست؟ اگر حکومت برنامه و راهکاری برای از بین بردن ظرفیت درونی جامعه در گرایش به افراطیت و بنیادگرایی نداشته باشد در آن صورت گروه طالبان، داعش و دیگر گروه‌ها دوباره سربازگیری می کند. شهروندان کشور دوباره به صفوف گروه‌های بنیادگرایانه می پیوندد. بنابراین، حکومت در جنگ با افراطیت و گروه های افراطی نیازمند مبارزه فرهنگی نیز می باشد. به صورت مشخص می توان این پرسش را مطرح کرد که وزارت معارف تا چه اندازه آمادگی دارد که بعد از پاکسازی گروه طالبان و داعش از یک منطقه مکاتب را فعال نماید. یا وزارت معارف و تحصیلات عالی چه راهکار و سیاست های در مکاتب و دانشگاه‌های کشور برای جلوگیری از گسترش بنیادگرایی روی دست دارد. واقعیت امر این است که ما این مسئله را جدی نگرفته‌ایم. در بسیاری از دانشگاه‌ها و مکاتب ما در ولایات بنیادگرایی و افراطیت ترویج می شود. نمونه عینی آن دانشکده شرعیات دانشگاه کابل است. دانشگاه های دیگر کشور وضعیت بهتر از دانشگاه کابل ندارد. بنابراین، می توان گفت که حکومت در این عرصه نیز ناکام است و هیچ برنامه مشخص ندارد. همان قدر که نیازمند پاکسازی گروه‌های دهشت افکن از یک ولایت و ولسوالی می باشیم به همان میزان نیازمند تغییر ذهنیت شهروندان نیز می باشیم. در غیر آن بدون شک، جنگ به شکل دوامدار ادامه خواهد یافت و آینده نامعلوم را رقم خواهد زد.

در پایان باید گفت که موفقیت های حکومت وحدت ملی قابل تحسین است. کشتن تعداد زیادی از رهبران و فرماندهان گروه طالبان با هماهنگی نیروهای امنیتی بدون شک وضعیت جنگ را تغییر خواهد داد. در عین حال، متقاعد کردن کشورهای کمک کننده به افغانستان به منظور حفظ تعداد از نیروهایش به افغانستان و ادامه کمک مالی به نیروهای امنیتی قابل تقدیر است. اما در دراز مدت ضرورت جدی به تدوین یک استراتژی جنگی داریم تا بتوانیم هم نیروهای امنیتی را انسجام بخشیم و هم رفتارها و آینده را پیش بینی کنیم و در عین حال، با تغییرها و دگرگونی های آنی مواجه نگردیم. در کنار این مسئله ضرورت به سیاست فرهنگی در مبارزه با افراطیت نیز می باشیم. در غیر آن جنگ فرسایشی ادامه خواهد داشت.

روندها و ساختارها در وضعیت جدید جهانی

محمود واعظی/قسمت چهارم

انواع قدرت
ماهیت قدرت
دسترسی قدرت
ابرقدرت
مطلق
جهانی
قدرت بزرگ
نسبی
جهانی
قدرت متوسط
نسبی
منطقه‌ای
قدرت کوچک
نسبی
داخلی
ریز قدرت
نسبی
تحت‌الحمایه

موضوع قدرت به عنوان معیار تقسیم‌بندی دولت‌ها، صرفاً بر مبنای ظرفیت‌های نظامی قرار ندارد، بلکه توانایی‌هایی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی ایدئولوژیک نیز در این امر دخیل می‌باشند. علاوه بر این، عوامل تعیین کننده (داخلی و خارجی) و متغیرهای بسیار زیادی (متغیرهای فیزیکی، ساختاری، انسانی وغیره) در این طبقه‌بندی نقش دارند. در خصوص توضیح جایگاه دولت‌ها در این تقسیم‌بندی، اگر در رأس هرم، ابرقدرت از بیشترین میزان تأثیرگذاری (در حد تسلط) بر نظام حاکم بهره‌مند باشند، در انتهای هرم دولت‌های ذره‌ای بیشترین میزان تأثیرپذیری در مقابل الزامات نظام را دارا می‌باشند. همچنین اگر قدرت‌های بزرگ از توانایی بالقوه برای رقابت و همکاری با ابرقدرت‌ها برخوردار باشند و بر روی قابلیت‌های تأثیرگذاری خود بر سیستم بین‌الملل تأکید ورزند، در مقابل ظرفیت‌های قدرت‌های میانی نیز به آنها اجازه نوعی اعمال نفوذ قابل استمرار در محیط جغرافیایی اطرافشان را می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر، قدرت‌های منطقه‌ای ایفاگر نقشی محوری در زیر سیستم‌های منطقه‌ای می‌باشند، به گونه‌ای که دولت‌های کوچک در مدار و حاشیه آنها قرار می‌گیرند. برای روشن شدن این بحث زیر سیستم‌های منطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی را که هر کدام به نوعی بر نظام بین‌الملل تأثیرگذار می‌باشند، مورد توجه قرار می‌دهیم:

الف - زیر سیستم‌های منطقه‌ای: زیرسیستم‌های منطقه‌ای به عنوان متغیری وابسته به نظام بین‌الملل، مجموعه‌ای خاص از تعاملاتی مشخص را در یک حوزه جغرافیایی معین تحت پوشش قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، اگر نظام بین‌الملل کلیه کنش‌های متقابل بین‌المللی را در برگیرد، زیر سیستم‌های منطقه‌ای قسمت‌های مشخصی از آنها را شامل می‌شود. در نظام بین‌الملل تمامی بازیگران دخیل هستند و محیط بازی کل جهان را در برمی‌گیرد، اما در زیر سیستم منطقه‌ای یک محدودهٔ جغرافیایی خاص و تعدادی بازیگر مشخص مورد نظر می‌باشد. یکی از مباحث مهم در علم سیاست، شناسایی و تعیین حدود زیر سیستم‌های منطقه‌ای می‌باشد؛ موضوعی که همواره مورد اختلاف اندیشمندان بوده است. هر گروه از اندیشمندان سیاسی معیارهای متفاوتی را برای شناسایی زیرسیستم‌های منطقه‌ای ارائه داده‌اند که این خود سبب تنوع و کثرت در تعریف این زیر سیستم‌ها شده است. مهمترین این معیارها که مورد وفاق همگان است عبارتند از :

- زیرسیستم‌های منطقه‌ای پیرامون یک یا چند موازنه قوای محلی شکل می‌گیرند و بیانگر نوعی رابطه پر تنش تاریخی می‌باشند.
- زیر سیستم‌های منطقه‌ای معرف یک سلسله واقعیت‌های جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هستند که براساس نوعی هویت و سرنوشت مشترک رقم خورده‌اند. در این حالت، باید نوعی تفاوت میان واحدهای درونی و بیرونی زیرسیستم قائل شد.
- در حوزه ارتباطات میان زیر سیستم منطقه‌ای و سیستم بین‌المللی، همواره زیر سیستم موضوع نزاع و رقابت میان قدرت‌های حاکم بر نظام بین‌الملل می‌باشد. در این شرایط، هر زیر سیستم منطقه‌ای از سه بخش مجزا ولیکن مرتبط با یکدیگر تشکیل شده است :

الف - بخش مرکزی که شامل بازیگران اصلی یعنی قدرت‌های بزرگ و متوسطی است که تعامل میان آنها باعث پیدایش موازنه قوای محلی شده است.

ب - بخش حاشیه‌ای (پیرامون) که بازیگران جانبی شامل دولت‌های کوچک و ذره‌ای در آن قرار داشته و معمولاً جذب بخش مرکزی گردیده‌اند.

ج - بخش مداخله‌گر که نماد دخالت و حضور سیستم بین‌الملل در زیر سیستم منطقه‌ای از طریق قدرت‌های حاکم است.

نهادهای بین‌المللی :

نهادهای بین‌المللی در ساختار نظام بین‌المللی موجود وظیفه تنظیم، تسهیل، تعدیل و تحدید روابط میان دولت‌ها را بر عهده دارند. نهادهای بین‌المللی ساختارهایی خنثی نیستند و قدرت‌های بزرگ متناسب با سهمی که از قدرت دارند، از نفوذ در این نهادها برخوردار می‌باشند. با این حال، این امر به معنای آن نیست که نهادهای بین‌المللی یکسره در اختیار قدرت‌های بزرگ قرار داشته باشند. این نهادها در موارد متعددی خط‌مشی‌های متفاوتی را دنبال می‌کنند و فرصت‌هایی را نیز برای دولت‌های منطقه‌ای و متوسط فراهم ساخته‌اند.[۱۷] مهمترین نهاد بین‌المللی که نقش محوری در تحولات نظام بین‌الملل دارد، سازمان ملل متحد می‌باشد.

سازمان ملل در تعاملات جهانی:

هر چند پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ایالات متحده آمریکا بدون اعتنا به سازمان ملل متحد در جهت دست‌یابی به اهداف جهانی خود تلاش نمود که با تهدید سازمان ملل را آن گونه که مایل است تغییر دهد ولی مخالفت برخی قدرت‌های بزرگ و افکار عمومی جهانی از یک سو و ناکامی‌ها و چالش‌هایی که آمریکا با آن مواجه شد از سوی دیگر، موجب گردید که سازمان ملل متحد هنوز در محور توجهات باقی بماند. این تحولات موجب شد که کوفی‌عنان دبیر کل سازمان ملل متحد، پیشنهاد اصلاح در منشور سازمان ملل متحد برای تبیین وضعیت جدید جهانی را در سال ۱۳۸۲ به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه دهد. ضرورت اصلاحات و انجام تغییرات ماهوی در منشور و ساختار ملل متحد مؤید ورود به فصلی جدید و متفاوت از حیات بین‌الملل و وداع با دوره‌ای متمایز از روابط بین‌الملل می‌باشد که با نظم دو قطبی تعریف می‌شد.[۱۸] وجود مناقشات و بحران‌ها در نظام بین‌الملل نیز موجب نقش‌آفرینی سازمان ملل در تعاملات جهانی شده است و تصمیمات این سازمان را به معیار و ملاک تعیین کننده‌ای در جهت‌گیری افکار عمومی جهانی تبدیل کرده است. در کنار نهادهای رسمی فراملی که چارچوب روابط میان دولت‌ها را تنظیم می‌کنند، نهادهای غیررسمی بین‌المللی در نظام بین‌المللی موجود به تدریج در حال قدرت‌یابی و تأثیرگذاری هستند. افزایش قابل توجه تعداد این نهادها (از ۳۷۱ سازمان در آغاز قرن بیستم به بیش از ۲۵۰۰۰ سازمان در پایان قرن)، زیر ساخت‌های یک جامعه مدنی فراملی را بنا می‌گذارند که می‌تواند به پاسخگو ساختن حکومت‌ها و نهادهای رسمی بین‌المللی منجر گردد.[۱۹]

کارتون روز

بدون شرح

روزنامه افغانستان The Daily Afghanistan
Daily Outlook Afghanistan The Leading Independent Newspaper

❑صاحب امتیاز: داکتر حسین یاسا
❑مدیر مسوول: محمد رضا هویدا ۰۷۹۸۳۴۱۸۶۱
❑سردبیر : حفیظ الله زکی ۰۷۹۹۱۵۷۳۷۱
❑ کاریکاتوریست: خالق علی زاده
❑دیزاین:علی‌اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
❑مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان
❑آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر V- ۱۳۷

روزنامهٔ‌افغانستان از همهٔ دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.
مقالات وارده بازگردانده نمی شود.
مسئولیت مقالات به عهدهٔ نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیانگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com